

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه مزمل

استاد ضرابی

جلسه دوم ۱۴۰۲/۲/۱۶

آیه شریفه: «بسم الله الرحمن الرحيم- قسمت دوم»

عنوان: شست و شویی کن و آنگه به خرابات خرام!

« يا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ. قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا »:

ظاهر این آیات دستور نماز شب به پیامبر (ص) و اصحاب اوست که با نگاهی عمیق‌تر، حکایت انسان بلکه همه موجودات را بیان می‌کند که هر یک در مرتبه‌ای که هستند میان خود و پروردگار عالمیان به حجاب‌هایی پیچیده شده‌اند و خطاب « يا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ » شامل همه آنها از جمله انبیاء و ملائکه مقرب الهی (علیهم السلام)، گردیده است « وَ مَا كَانَ لِنَبِّئٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأْذَنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ » (شوری/۵۱) عبدالله بن سلام از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سؤال می‌کند که آیا خداوند با تو به‌طور مستقیم سخن گفته است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: « مَا لِعَبْدٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ - خداوند با هیچ بنده‌ای جز به صورت وحی یا از پشت پرده صحبت نمی‌کند » (بحار الأنوار، ج ۹، ص ۳۳۷)

از این رو خطاب « قُمْ اللَّيْلَ ... » دستور قیام و خروج از حجاب نیز در مراتب شامل همه بندگان جهت تقرب به سوی محبوب عالمیان شده فرمان همه شمول و فراگیری است که کسی از آن استثناء نشده است.

حجاب چهره جان می شود غبار تنم
چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانیست
خوشا دمی که از آن چهره پرده بر فکنم
روم بگلشن رضوان که مرغ آن چمنم

خطاب « يا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ قُمْ اللَّيْلَ ... » حکایت برخی انسان‌هایی را نیز روایت می‌کند که در قعر ظلمات حیات حیوانی با خطاب « قُمْ اللَّيْلَ ... » از سوی پرورگارشان، همچون زمین مرده‌ای که آب باران رحمت زنده‌اش می‌کند، مشمول جذبیه الهی می‌شوند و شوق رفتن و رسیدن به محبوب آنان را به هیجان می‌آورد. « وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - و از جمله آیات قدرت الهی آنکه زمین را بنگری خشک و پژمرده که چون ما بر آن آب باران فرود آریم بردم و گیاه برآورد و اهتزاز و نشاط و خرمی یابد. باری، آن کس که زمین را زنده کند مردگان را هم زنده گرداند که او بر هر چیز قادر است. » (فصلت/۳۹) و هدایت یافته و راست قامت بر راه راست می‌روند (يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ - ملک/۲۲) و برخی دیگر باران رحمت بر شوره‌زار وجودشان اثر نکرده، نگونسار و به صورت افتاده حرکت می‌کنند (يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ - ملک/۲۲)

امام خمینی قدس سره می‌گوید: « تو آدم‌زاده که بذل لقای ... و خدای تعالی تو را برای خود برگزیده و با دو دست جمال و جلال خود تخمیر فرموده و مسجود ملائکه و محسود ابلیس قرار داده، اگر بخواهی

از جنابت (دوری) پدر که اصل تو است خارج شوی و لایق لقای حضرت محبوب شوی و استعداد وصول به مقام انس و حضرت قدس پیدا کنی، باید با آب رحمت حق باطن دل را غسل دهی و از اقبال به دنیا، که از مظاهر شجره منهیه است، توبه کنی و قلب خود را، که محفل جناب جمیل و جمال جلیل است، از حب دنیا و شئون خبیثه آن، که رجز شیطان است، شست و شو دهی که جنّت لقای حق جای پاکان است» و لا یَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا الطَّيِّبُ- اصول کافی ج ۳ ح ۷ « شست و شویی کن و آنکه به خرابات خرام». (آداب الصلوة، ص ۷۶)

گفتم که روی خوبت از ما چرا نهان است گفتا تو خود حجابی ور نه رخم عیان است
گفتم فراق تا کی گفتا که تا تو هستی گفتم نفس همین است گفتا سخن همان است

« قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا » دستور غلبه نمودن بر خواب غفلت همانگونه که بر قیام لیل و تهجد شبانه صادق است، با نگاهی کلی‌تر بر هر اشتغالی که در شب دیجور و ظلمانی حیات دنیا، انسان را از بیداری و هشیاری باز می‌دارد صادق است. این فقط فرصت بیداری شب نیست که بهترین فرصت بیداری و هدایت است که پیامبر اسلام (ص) فرمود: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ابْتِغَاءً وَجْهَ اللَّهِ وَ تَفَقَّهَ فِي الدِّينِ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ جَمِيعِ مَا أُعْطِيَ الْمَلَائِكَةُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْمُرْسَلُونَ- هر کس برای کسب رضایت خدا و آگاهی در دین قرآن بیاموزد، ثوابی مانند همه آنچه که به فرشتگان و پیامبران و رسولان داده شده، برای اوست.» (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۸۴، ح ۷۶۸۳)

بلکه شب در مقابل روز قیامت به فرصت دنیا اطلاق می‌شود که به حکمت الهی اطلاع بر حقایق زندگی آخرت و برزخ و قیامت «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» نه به گونه ای ارائه شده که اختیار از انسان سلب شود و جبرا به مسیر هدایت آورده شود و نه به گونه‌ای است که بی‌خبر بماند بلکه حالتی میان این دو حاکم است که امکان آرامش و تصمیم و انتخاب به او می‌دهد،

« إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا -قطعاً نشئه شب در گام برداشتن استوارتر و در گفتار راستین‌تر است.» امام صادق (ع): فرمود: «مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْحَقَّ مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَكَّبِ الْفِتْنِ- هر کس حقیقت را از طریق قرآن شناسد، از فتنه‌ها برکنار نمی‌ماند» (محاسن، ج ۱، ص ۲۱۶) و پس از اتمام فرصت تحصیل معرفت و تقوا در دنیا در روشنایی روز قیامت راه طولانی در پیش است «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا» (البته این معنا با تطبیق آیه بر روز و شب دنیایی منافاتی ندارد و معنای اصلی آن روز قیامت است) «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» که برای پیامبر (ص) در دنیا حاصل می‌شود. برای انسان‌های عادی در قیامت تحقق می‌یابد به فرمایش حضرت امیر علیه السلام دغدغه واقعی باید برای نتیجه‌ای باشد که در روز قیامت حاصل می‌شود: «أَهْ! مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ، وَ طُولِ الطَّرِيقِ، وَ بُعْدِ السَّفَرِ، وَ عَظِيمِ الْمَوْرِدِ!- وای از کمبود توشه و درازی راه و دوری سفر و عظمت جایی که وارد می‌شویم!» (نهج البلاغه، حکمت ۷۷)

وای اگر پرده ز اسرار بیفتد روزی فاش گردد که چه در خرقة این مهجور است
چه کنم تا به سر کوی توام راه دهند؟ کاین سفر توشه همی‌خواهد و این ره دور است

روشن است که چنین بهره معرفتی از قرآن کریم، شیوه خاصی را می‌طلبد که اصطلاحاً «ترتیل» نامیده می‌شود. امام علی (علیه‌السلام) ترتیل را «حفظ الوقوف و بیان الحروف» معنا فرموده (المحجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۲۵) تاکید می‌نماید که قرآن را تند و شتابزده نباید خواند بلکه باید با آهستگی و پیوستگی (الکافی، ج ۲، ص ۶۱۷) و خضوع و خشوع و آرامش و سکونی که لازمه ترتیل در قرائت قرآن است خوانده شود (بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰) حضرت توصیه می‌فرماید تا وقتی به قرائت قرآن ادامه دهید که دل و جانتان با حنجره و زبانتان همراه است. (بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۶) «وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا - و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز» بی‌شک اجرای این دستورات و فرامین الهی به سادگی

محقق نمی‌شود و در برابر آن دشمنانی از درون و بیرون با سخنان و کردارشان می‌خواهند که مانع تحقق آن شود؛ اما دستور پروردگار این است که: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا - و بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر» چرا که نظام الهی با آنان هم در دنیا و هم در آخرت متناسب با احوالشان حساب ویژه‌ای دارد؛ «وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهْلُهمْ قَلِيلًا إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا- و مرا با تکذیب کنندگان توانگر واگذار و اندکی مهلتشان ده ...»

در پایان سوره شریفه خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَی رَبِّهِ سَبِيلًا- هر که می‌خواهد (طالب سعادت است) باید به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد» و به تعبیر امام صادق (ع): «هر کس حقیقت را از طریق قرآن نشناسد، از فتنه‌ها برکنار نمی‌ماند» (محاسن، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۷۰۲)

آخرین آیه این سوره شریفه: «إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ ...» شرحی است بر «إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَی رَبِّهِ سَبِيلًا» که انشاء الله به آن خواهیم پرداخت.

در پایان به مناسبت تنها متذکر یک نکته از «حدیث قرب نوافل» می‌شویم که به یاری حق در ادامه بحث توضیح آن خواهد آمد؛ امام خمینی قدس سره می‌فرماید: «تا عبد را بقایایی از خویش باقی است، محدث به حدت اکبر است و عابد و معبود در او شیطان و نفس است. و منازل سیر اهل طریقت و سلوک اگر برای وصول به مقامات است و حصول معارج و مدارج است، از تصرف نفس و شیطان خارج نیست و سیر و سلوک معلل است؛ پس سلوک در منازل نفس است و سیر در جوف بیت است. و چنین سالکی مسافر و سالک نیست؛ و مهاجر الی الله و رسوله نیست؛ و از حدت اکبر، که عین عبد است، پاک نشده؛ و چون از این حدت بکلی تطهیر شود، عابد و معبود حق شود و کُنْتُ سَمْعُهُ و بَصَرُهُ که نتیجه قرب نافله است حاصل شود. (آداب الصلوة، ص ۷۷)

وادی عشق که بی هوشی و سرگردانی است	مدعی در طلبش بوالهوس و مغرور است
لب فرو بست هر آن کس رخ چون ماهش دید	آنکه مدحت کند از گفته خود مسرور است
وقت آن است که بنشینم و دم در نزنم	به همه کون و مکان مدحت او مسطور است

صلی الله علی محمد و آله